

مدل سازی معادلات ساختاری در بررسی ارتباط بین مولفه های سازمان یادگیرنده با بهبود کیفیت آموزش در مهارت آموزان ماده ۲۸ دانشگاه فرهنگیان کرمان در سال

۹۶-۹۷

مرتضی ابراهیمی نژاد روانمهران^۱، علی حاج کاظمی^۲

۱-مهارت آموز دانشگاه فرهنگیان کرمان

۲-کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

چکیده

مفهوم سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی، در سال های اخیر توجه پژوهشگران و مدیران بسیاری از سازمان ها، به ویژه سیستم های آموزشی را به خود معطوف نموده و ایجاد سازمان یادگیرنده، یکی از آرمان های سیستم آموزش شده است. از این نظر، حرکت مدارس کشور به سمت تبدیل شدن به سازمان های یادگیرنده از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش، مدل سازی معادلات ساختاری در بررسی ارتباط بین مولفه های سازمان یادگیرنده با بهبود کیفیت آموزش در مهارت آموزان ماده ۲۸ دانشگاه فرهنگیان کرمان بود. روش این پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۸۳ نفر مهارت آموز ماده ۲۸ زن و مرد دانشگاه فرهنگیان کرمان بوده که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده، تعداد ۱۶۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسش نامه های سازمان یادگیرنده پیترسنگه با ۲۴ گویه و پرسشنامه بهبود کیفیت آموزش با ۱۵ گویه استفاده شد. ضرایب پایایی این پرسش نامه ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۹۷ بدست آمده است. برای بررسی داده های گردآوری شده از آزمون همبستگی پیرسون در سطح معنی داری ۰/۰۵ و برای انجام مباحث مدل سازی از نرم افزار Amos استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مولفه های سازمان یادگیرنده و بهبود کیفیت آموزش مهارت آموزان همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت برای افزایش و بهبود کیفیت آموزش در مهارت آموزان می توان دانشگاه و مدارس را به سازمان یادگیرنده تبدیل کرد و میزان مولفه های سازمان یادگیرنده را در آنان افزایش داد.

واژگان کلیدی: سازمان یادگیرنده، کیفیت آموزش، مدل سازی معادلات ساختاری، مهارت آموزان، ماده ۲۸.